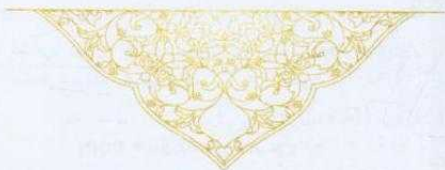


www.etab.ir  
بررسی فقهی

# حکم قضاوت زن در اسلام

••

تالیف: دکتر مختار ویسی



ویسی، مختار، ۱۳۴۵ - بررسی فقهی حکم قضاوت زن در اسلام  
نوشته مختار ویسی.

تهران: نشر احسان، ۱۴۰۳ / ۴۷۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۶۲۰-۰

موضوع: قضاوت (فقه) -

موضوع: زنان قاضی(فقه) -

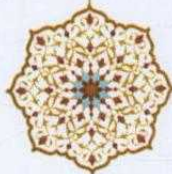
موضوع: قضاوت - جنبه‌های مذهبی - اسلام -

موضوع: قضاوت (فقه) - احادیث

ره‌بینی کنگره: BP ۱/۱۹۵

ره‌بینی دیوبند: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۷۲۷۶



www.ketab.ir



بررسی فقهی حکم قضاوت  
زن در اسلام

تالیف: دکتر مختار ویسی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۲۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۶۲۰-۰

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران،  
پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶. تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

[www.nashrehsan.com](http://www.nashrehsan.com)

بررسی فقهی حکم قضاوت  
زن در اسلام



۱۰۳۰۰۱ ریبیل ۳۴۵۰۰۰۰۰

نشر احسان

## فهرست

۱۳	.....	مقدمه
۲۱	.....	فصل اول: بررسی مفهوم ولایت در اسلام
۲۱	.....	تعریف ولایت نزد لغت شناسان
۲۴	.....	تعریف ولایت در اصطلاح
۲۴	.....	ولایت در اصطلاح
۲۸	.....	تعریف ولایت عامه به معنای سیاسی آن
۲۹	.....	انواع ولایت
۳۴	.....	ولایت عظمی یا امامت کبری
۳۴	.....	اولاً: تعریف امامت در لغت
۳۶	.....	ثانیاً: تعریف امامت در اصطلاح
۴۰	.....	شروط امامت عظمی
۴۱	.....	شروط مورد اتفاق
۴۵	.....	شروط مورد اختلاف (امامت عظمی)

- وظایف و واجبات امام ..... ۵۱
- آراء برخی از علمای گذشته و معاصر در مورد شرط مرد بودن برای امامت عظمی ..... ۵۲
- آراء علمای گذشته در مورد شرط مرد بودن برای امامت عظمی ..... ۵۲
- آراء برخی از علمای معاصر در مورد شرط مرد بودن برای امامت عظمی ..... ۵۴
- آراء برخی از علمای معاصر که مرد بودن را شرط ریاست دولت نمی‌دانند: ..... ۵۵
- فصل دوم: مفهوم ولایت قضا در اسلام ..... ۶۷
- مفهوم قضا در لغت ..... ۶۷
- معنی قضا در قرآن ..... ۶۹
- تعریف قضا از لحاظ شرح ..... ۷۱
- شرح تعریف ..... ۷۳
- مشروعیت قضاوت ..... ۷۵
- ۱- دلیل قرآن ..... ۷۶
- ۲- سنت پیامبر ﷺ ..... ۷۸
- ۳- اجماع ..... ۸۰
- ۴- معقولات ..... ۸۲
- اهمیت قضاوت و حکم آن در اسلام ..... ۸۳
- شروط قضاوت ..... ۸۹
- فصل سوم: آراء و اقوال علمای قدیم و جدید در مورد انتصاب زن به منصب قضاوت ..... ۱۰۱
- رویکرد اول: مرد بودن برای تصدی امر قضاوت شرط است. ..... ۱۰۳

- آراء برخی از علما و فقه‌های سلف که مرد بودن را از شروط قضاوت می‌دانند: ... ۱۰۵
- آراء برخی از علما و فقه‌های معاصر که مرد بودن را از شروط قضاوت می‌دانند: ... ۱۰۷
- فتوای آزر در مورد حکم ولایت زن (۱۹۵۲م)..... ۱۰۹
- فتوای علمای نجد..... ۱۱۱
- فتوای (اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء)..... ۱۱۱
- رویکرد دوم: مرد بودن را شرط قضاوت نمی‌داند ..... ۱۱۲
- آراء برخی از علما و فقه‌های گذشته که قضاوت زن را در همه‌ی امور غیر از حدود و قصاص جایز می‌دانند: ..... ۱۱۵
- آراء علما و فقه‌های گذشته که قضاوت زن را به طور مطلق در همه‌ی امور جایز می‌دانند: ..... ۱۱۹
- آراء برخی از علما و فقه‌های گذشته که قضاوت زن را به طور مطلق در همه‌ی امور جایز می‌دانند: ..... ۱۲۱
- فصل چهارم: دلایل مخالفان قضاوت زن ..... ۱۳۳
- اول - استدلال به قرآن کریم..... ۱۳۳
- الف - آیه قوامیت ..... ۱۳۴
- مراد از قوامیت از نگاه علمای مخالف با قضاوت زن ..... ۱۴۳
- ب- مراد از درجه..... ۱۴۶
- دوم- استدلال به حدیث نبوی شریف: (لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ) ..... ۱۴۸
- بررسی حدیث از لحاظ سند و اعتبار ..... ۱۴۹
- وجه استدلال ..... ۱۵۲
- آراء و اقوال علمای مخالف قضاوت زن در مورد دلالت و مفهوم حدیث: .... ۱۵۶
- سوم- اجماع علما ..... ۱۶۰

- آراء و اقوال مخالفان در مورد اجماع علما بر منع قضاوت زن ..... ۱۶۵
- چهارم - معقولات ..... ۱۶۹
- ۱- قیاس ..... ۱۶۹
- أ- قیاس قضاوت با امامت عظمی ..... ۱۶۹
- ب- قیاس قضاوت با شهادت ..... ۱۷۲
- ج- قیاس قضاوت با فتوا ..... ۱۷۶
- د- قیاس قضاوت با امامت نماز ..... ۱۷۸
- ه- قیاس زن بر مرد ..... ۱۷۹
- و- قیاس قضاوت با حسیه ..... ۱۸۱
- ز- قیاس قضاوت با سرپرستی زن در محیط خانه ..... ۱۸۴
- ح- قیاس قضاوت با وصیت کامل بودن: ..... ۱۸۶
- ۲- سد ذریعه ..... ۱۸۷
- ۳- اصل اباحه بودن امور و اشیاء زمانی است که دلیلی بر منع آن وجود نداشته باشد ..... ۱۸۹
- ۴- زن در بیان حجت و استدلال هنگام مجادله و گفتگو ناتوان است ..... ۱۹۱
- ۵- زن از نظر کمال عقل و دین ناقص است ..... ۱۹۵
- ۶- وجود زن و حتی صدای او عورت است ..... ۲۰۴
- ۷- نگاه زن به مرد و نیز نگاه مرد به زن مطلقاً حرام است ..... ۲۲۳
- ۸- زن فتنه است ..... ۲۲۵
- ۹- امر قضاوت با سرشت و طبیعت زنان سازگار نیست ..... ۲۲۶
- ۱۰- استدلال به حدیث روایت شده از بریده: (القضاة ثلاثة: واحد في الجنة، واثان في النار...) ..... ۲۲۷

- فصل پنجم: دلایل موافقان قضاوت زن..... ۲۲۹
- ۱- استدلال به قرآن کریم..... ۲۲۹
- الف- آیه قوامیت..... ۲۲۹
- ب- مراد از درجه در آیه: ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ (بقره: ۲۲۸)..... ۲۴۰
- ۲- استدلال به حدیث نبوی مشهور: (لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ)..... ۲۴۵
- آراء علما در مورد شأن بیان و سبب ورود حدیث و دلالت مفهوم آن..... ۲۵۸
- ۳- اجماع علما..... ۲۶۷
- آراء و اقوال علما که شرط مرد بودن برای قضاوت را محل اختلاف می‌دانند..... ۲۷۴
- ۴- معقولات..... ۲۹۰
- ۱- استدلال به قیاس..... ۲۹۰
- الف - قیاس قضاوت با امامت..... ۲۹۰
- ب- قیاس قضاوت با شهادت:..... ۲۹۱
- ج- قیاس قضاوت با فتوا دادن:..... ۲۹۵
- فقه‌های مذهب ظاهری هم قضاوت زن را در همه امور جایز می‌دانند..... ۲۹۷
- د- قیاس قضاوت با امامت نماز:..... ۲۹۹
- ه- قیاس زن با مرد:..... ۳۰۰
- و- قیاس قضاوت با حسبه:..... ۳۰۴
- ز- قیاس قضاوت با ولایت و سرپرستی زن در محیط خانه:..... ۳۰۷
- ح- قیاس قضاوت با وصیت و وکیل بودن:..... ۳۱۰
- ۲- اصل سد ذریعه..... ۳۱۱
- عوامل غلو در سد ذریعه..... ۳۱۳
- ۳- اصل در امور و اشیاء بر اباحه بودن است..... ۳۱۴



- ۴- رد دلایل کسانی که زن را در بیان حجت و استدلال به هنگام مجادله و گفتگو ناتوان می‌دانند..... ۳۱۵
- ۵- زن از نظر کمال عقل و دین همسنگ و برابر با مرد است..... ۳۲۳
- معنای نقص عقل در حدیث شریف..... ۳۲۷
- معنای نقص دین..... ۳۳۱
- نقصان عقل زن و ارتباط آن با شهادت..... ۳۳۳
- آراء علما در مورد مراد از شهادت دو زن در برابر یک مرد..... ۳۴۰
- علت نسیان و فراموشی زن..... ۳۵۹
- نقص عقل و ارتباط آن با قضاوت زن..... ۳۶۲
- ۶- رد کسانی که می‌گویند کسی وجود زن و حتی صدای او عورت است .. ۳۶۴
- اولاً- صورت و دودست زن عورت نیست..... ۳۶۵
- (ا)- استدلال به قرآن کریم..... ۳۶۶
- ۱- استدلال به آیه: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾..... ۳۶۶
- حدود عورت زن از نظر مذاهب..... ۳۶۹
- عورت زن از نظر مذهب مالکی..... ۳۷۰
- عورت زن از نظر مذهب شافعی..... ۳۷۰
- عورت زن از نظر مذهب حنبلی..... ۳۷۱
- استدلال به عبارت: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾..... ۳۷۳
- استدلال به آیه: ﴿يُدْنِينَ عَلْيَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۹)..... ۳۷۴
- (ب)- استدلال به حدیث نبوی شریف..... ۳۷۵
- ثانیاً: صدای زن عورت نیست و سخن گفتن زنان با مردان نامحرم با رعایت ضوابط و حدود و موازین شرعی جایز است..... ۳۸۰

- آراء و اقوال مذاهب اربعه در مورد صدای زن و حکم گوش فرا دادن مردان به آن: ۳۸۰
- ثالثاً: جایز است زنان با رعایت حدود و موازین شرعی از خانه خارج شوند، و در مجالس و امور اجتماعی مشارکت کنند: ۳۸۴.....
- بررسی حدیث أم حُمَید الساعدی از چند وجوه..... ۳۸۸
- رابعاً: زنان می‌توانند با حفظ حدود و موازین شرعی با مردان نامحرم اجتماع کنند..... ۳۹۴.....
- خامساً: وارد شدن بر زنان بدون خلوت نمودن جایز است..... ۳۹۸.....
- ۷- نگاه زن و مرد به هم دیگر در چارچوب حدود و موازین شرعی جایز است. ۴۰۱
- ۸- رد گفتار کسانی که می‌گویند، زن فتنه است..... ۴۰۹.....
- ۹- پاسخ به کسانی که می‌گویند: امر قضاوت با سرشت و طبیعت زنان سازگار نیست..... ۴۱۲.....
- ۱۰- حدیث روایت شده از بریده: (القضاء ثلاثة)..... ۴۱۶.....
- خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۴۱۹.....
- ولایت بر دو قسم تقسیم می‌گردد..... ۴۱۹.....
- ولایت متعدیه به دو قسم ولایت عامه و خاصه تقسیم می‌شود..... ۴۲۰.....
- منابع..... ۴۴۵.....
- فارسی..... ۴۴۵.....
- عربی..... ۴۴۵.....
- منابع اینترنتی..... ۴۷۸.....

## مقدمه

زن و مرد از نظر خلقت و آفرینش از یک نفس و گوهر انسانی واحدی آفریده شده‌اند. این مساوات کامل در آفرینش و وحدت خلقت زن و مرد، مقتضی وجود مساوات کامل بین زن و مرد از لحاظ حقوق و مسئولیت‌ها، عقاید و احکام، مقام و منزلت و اهلیت و شایستگی آن‌ها در ادای مسئولیت‌های اجتماعی و مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و... است. خداوند متعال با خطاب: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ زنان و مردان را با هم یک جا مورد خطاب قرار می‌دهد و در تمام اوامر و دستوراتش برای ادای تکالیف و مسئولیت‌ها و دعوت به خیر، و امر به معروف و نهی از منکر و اجرای احکام اسلامی و تطبیق آن در جامعه به طور یکسان خطابش را متوجه آنان می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ  
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿توبه: ۷۱﴾

مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر، از نظر اسلام بزرگترین مسئولیت است، قرآن کریم به تصریح این آیات در این مسئولیت، مرد و زن را یکسان و برابر می‌داند. اسلام به حقیقت مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به زنان سپرده است، نه برحسب ظن و گمان و یا وهم و خیال. و لذا آن را فقط خاص شأن و منزلت مردان نمی‌داند.<sup>۱</sup>

رازی می‌گوید: لفظ منکر در آیه شامل همه امور قبیح است، و لفظ معروف همه‌ی امور نیکو را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

و در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (الاعمران: ۱۰۴) و نیز می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (الاعمران: ۱۱۰). این دو آیه مبدأ امر به معروف و نهی از منکر را بر مرد و زن بطور یکسان واجب می‌شمرد، و گویای آن است که مشارکت آنان در وظایف سیاسی، تشریحی، قضائی، اجرایی و مدیریتی از وظایف امر به معروف و نهی از منکر است.

۱. شلتوت، محمود: الإسلام عقیده و شریعة، قاهره: دارالشرق، ۲۰۰۱م، ط ۱۸، ص ۲۲۷.

۲. الرازی، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن: التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ

ط ۳، الجزء ۱۶ ص ۹۷.

خداوند متعال مرد و زن را برابر هم می‌داند، می‌فرماید: ﴿بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾ (آل عمران: ۱۹۵)، یعنی: شما از یک نفس هستید، و از جنس یکدیگرید، و پیامبر اکرم ﷺ زنان را با مردان برابر می‌داند، و چنین می‌فرماید: (إِنَّمَا الْبَنَاءُ لِشَقَائِقِ الرِّجَالِ)، یعنی: زنان هم‌تایان مردانند.<sup>۱</sup> این حدیث، برای ما روشن می‌کند که زن و مرد یک اصل و جوهره‌ی یکسانی داشته و در طبیعت و سرشت بشری برابرند، و هیچ یک از آن دو بیشتر از دیگری از عناصر و ویژگی‌های انسانی برخوردار نیست.

بنابراین، در اسلام، بین مرد و زن از نظر انسانی تفاوتی وجود ندارد. و بر اساس اصل مساوات و هدم تمایز بین آن دو، وظایفی که به عهده مردان گذاشته شده، زنان می‌توانند از عهده‌ی انجام آن بر آیند. در اسلام دستور به انجام امور بر پایه شورا عام بوده و از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است و لذا، مرد و زن هر دو یکسان مخاطب قرار می‌گیرند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) و ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری: ۲۸) بنابراین، همه‌ی احکام و اوامر و دستورات و تعالیم قرآن و سنت رسول خدا ﷺ جز در موارد خاصی که اختصاص به یکی از آن دو جنس دارد، به شکل عام و فراگیر همه‌ی مردان و زنان را شامل می‌شود. احکامی وجود دارند که خاص زنان است و به

۱. الترمذی، محمد بن عیسی: سنن الترمذی، تحقیق و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، بَابُ فِيمَنْ يَسْتَقْبِطُ فَيْرَى بَلَاءً وَلَا يَذْكُرُ إِسْمًا، حدیث رقم ۱۱۳، الجزء ۱ ص ۱۸۹ و ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد: مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، حدیث رقم ۲۱۱۹۵، الجزء ۴۳ ص ۲۶۵: السَّجِسْتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث: سنن أبي داود، تحقیق: محمد محيي الدين عبد الحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بَابُ فِي الرَّجُلِ يَجِدُ الْبَلَاءَ فِي مَنَامِهِ، حدیث رقم ۲۳۶، الجزء ۱ ص ۶۱، و ترمذی می‌گوید: حدیث: حسن صحیح است.

ساختار جسمی و روانی و فطری آنان مربوط است مانند: حیض، نفاس، استحاضه، ولادت، رضاع، حضانت فرزند... و احکامی هم وجود دارند که به مردان اختصاص دارد، مانند وجوب اعطای نفقه به همسر و فرزندان، امامت نماز جمعه و جماعات و... اما در غیر این موارد، اصل در خطاب شارع همه مردان و زنان است، در قرآن کریم همه آیاتی که در مورد قضاوت وجود دارند، به صورت عام هستند و خطاب آن‌ها مرد و زن هر دو را در برمی‌گیرند، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء: ۵۸)، یعنی؛ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید». ابن حزم می‌گوید: پیامبر ﷺ به سبب مردان و زنان به صورت برابر مبعوث شد. خطاب خداوند متعال و رسولش ﷺ به مردان و زنان یکسان بود. اجازه نداشت به مردان، بدون در نظر گرفتن زنان، خطاب ویژه‌ای داشته باشد، مگر به نسی آشکار یا اجماع، زیرا چنین عملی تخصیص ظاهر بود و این کار جایز نیست.»<sup>۱</sup>

بنابراین، اسلام اجازه داده زنان در اداره‌ی جامعه شرکت کنند، و حق انتخاب برای مجلس شورا را دارند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ﴾ (بقره: ۲۸۳). لذا، شهادت بر مرد و زن واجب است و انتخاب شدن زنان برای اداره جامعه و مجلس شورا، همان ادای شهادت

۱. ابن حزم، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید: الإحکام فی أصول الأحکام، تحقیق: الشیخ أحمد محمد شاکر، بیروت: دار الآفاق الجدیدة، الجزء ۳ ص ۸۱.

حق است. براین اساس، مفهوم مخالف برای امتناع از انتخاب شدن برای مشارکت سیاسی و مجلس شورا به معنی کتمان شهادت است.

براین اساس، تکالیف و مسنولیت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در راستای مصالح کلی مسلمانان، به عهده‌ی هر دوی آنان نهاده شده است؛ و به پیامبر ﷺ سفارش می‌کند که با زنان بیعت کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ﴾ (ممتحنه: ۱۲). بنابراین، نه مرد قادر است به تنهایی و به دور از تعاون و همکاری زن و بدون مشارکت او به ادای وظیفه خطیر بندگی و عمران و آبادانی زمین در همه عرصه‌های اجتماع بپردازد؛ و نه زن می‌تواند در عزلت کامل و به دور از اجتماع در خانه بسر برد و به تنهایی به تکالیف و ادای مسنولت و وظیفه بندگی خود عمل کند، به طوری که نه مرد او را ببیند و نه او مرد را ببیند بلکه انجام این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی جز با تعاون و همکاری و مساعدت هم قابل تصور و تحقق نیست.

امر قضاوت برای زنان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و مشارکت در اداره جامعه در حوزه‌ی اجتهاد فقه‌ها قرار دارد. از گذشته تا به امروز علما و فقه‌ها در باره‌ی تصدی زن برای مناصب اداری و مدیریتی و سیاسی و امر قضاوت اختلاف نظر داشته و دارند. علت این اختلاف مربوط به میزان فهم و درک و استنباط و تفسیر آنان از آن مجموعه آیات و احادیثی است که بدان استناد می‌کنند. این نصوص در تفسیر و دلالت‌های آن پذیرای اختلاف‌اند و می‌توان

بیش از یک نوع برداشت و معرفت از آن‌ها داشت؛ اما علما بسته به سطح فهم و قدرت استنباط و میزان اخذ به ظاهر این نصوص و با توجه به شرایط مکانی و زمانی و عرف و اوضاع و احوال زمان خود دلایلی را یا برای جواز یا منع قضاوت زن اقامه نموده‌اند.

آن دسته از علما و فقه‌هایی که قضاوت زنان را جایز نمی‌دانند، دلایلی اقامه نموده‌اند که از نصوص برداشت و استنباط نموده‌اند؛ اما موافقان قضاوت زن به نفی ورد استنباط و تفسیر مخالفان قضاوت زن برخاسته‌اند، نه به رد صراحت حکم نصوص و دلالت‌های آن. از نظر این دسته از علماء، اصل در امور و اشیاء و تصرفات عادی اباحه است و مادامی که نص صحیح الثبوت و صریح الدلاله‌ای بر تحریم چیزی نمانده باشد، قضیه بر اصل اباحه قرار خواهد گرفت. بر این اساس چون تصدی زنان به امر قضاوت از طریق نصوص ثابت و صریح به اثبات نرسیده است، اصل بر مباح بودن آن حمل می‌گردد، زیرا در مورد منع قضاوت زن، نص قطعی الثبوت و قطعی الدله‌ای وجود ندارد و اگر نصی وجود می‌داشت، اجماع علماء به طور قطع حکم به عدم جواز قضاوت زنان می‌دانند و دیگر اختلافی وجود نداشت؛ بنابراین تا زمانی که دلیلی قاطع بر تحریم تصدی زنان در مناصب اداری، سیاسی و اجتماعی و حتی قضاوت وجود ندارد قضیه بر اصل اباحه قرار خواهد گرفت.

بر این اساس، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و مشارکت آنان در اداره جامعه جایز و مباح و حتی ضروری است و تحریم آن جز با دلیل قاطع ثابت نمی‌شود. اگر برخی از فتاوا و احکام اجتهادی علما در گذشته به منع حضور زنان در اجتماع و تصدی برخی از مناصب اداری و مدیریتی و سیاسی



صادر شده است، مربوط به شرایط مکانی و زمانی و اوضاع و احوال خاص آن دوره بوده است که با تغییر زمان و مکان و عرف و اوضاع و احوال نیاز به اجتهاد جدید پیدا می‌کند. اکنون در دنیای معاصر شاهد تحولاتی در فقه هستیم، و علما بر این باورند که علوم فقه نیاز به تجدید و تحدیث دارد و باید بیشتر با واقعیت‌های اجتماعی جامعه و ضرورت‌های آن تطبیق و ارتباط پیدا کند. بر همین اساس برحسب مقتضیات شرعی، و گذشت زمان و تغییر و تحولات اجتماعی زنان در همه عرصه‌های مختلف حضور پیدا کرده‌اند و بسیاری از علما و فقه‌ها مشروعیت احراز و تصدی برخی از مناصب اداری و سیاسی برای زنان و حتی انتصاب آنان بر امر قضاوت را تایید کرده‌اند. لذا هیچ دلیلی برای منع تصدی امر قضاوت توسط زنان بر مبنای قاعده (سد الذریعه)<sup>۱</sup> وجود ندارد و شدت احتیاط بر اصل قاعده‌ی سه باره نباید بر نصوص مقدم شود و مانع حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و تصدی امر قضاوت گردد.

۱. ذریعه: در لغت به معنی وسیله است برای رسیدن به چیزی؛ و جمع آن ذرائع است (القرافی، أبو العباس شهاب الدین أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالکی: الفروق. عالم الکتب، الجزء ۳ ص ۲۷۴).